زیر درختان زیتون

پاسداشت میراث کهن لالایی‌ها

● این روزها که هرکس در پی چیزی می‌دود، «هنرمندسرای بوم‌گردی هورشید اصفهان» با همکاری «مجموعه خانه‌های نقلی کاشان» عزمش را برای یافتن لالایی‌های ایران جزم کرده و می‌کوشد با برپایی جشنواره مجازی «میراث لالایی» حنجره به حنجره آن نغمه نخستین را از زنان ایرانی و آسیای میانه بشنویم (با هر لهجه و گویشی). شاید از تندباد فراموشی در امان بماند.

موسیقی، ترانه و شعر، قصه و متل، تصویرسازی، مستندسازی، پویانمایی، عکاسی و عروسک‌های بومی و محلی، همه بخش‌های هنری این جشنواره را تشکیل می‌دهد و داوران آن اکبر رضوانیان، فرزانه سلیمانی، جمال رحمتی، رسول معرک‌نژاد، ستاره حسینی، پوپک عظیم‌پور، صادق چراغی، طلایه رؤیایی، فرزانه سلیمانی و نفیسه نفیسی هستند. نام فرزانه سلیمانی را نیز به‌عنوان دبیر جشنواره به خاطر بسپارید.

شرایط شرکت در جشنواره میراث لالایی به این شرح است: آثار ارسالی، دست‌کم باید شامل یکی از مؤلفه‌های حقیقی یا نمادین کودک، گهواره و لالایی‌خوان باشد. حجم اثر در تمام بخش‌ها حداکثر ۴۰ مگابایت است و الزاما هم باید به شماره تلگرام دبیرخانه ارسال شود. ارسال آثار هنری تولیدشده قبل از این فراخوان با مجوز لازم امکان‌پذیر است. آثار ارسالی حتما با ذکر منابع مکتوب یا شفاهی به صورت شناسنامه مشخص باشد. نام هر فردی که در فرایند تولید محتوای مدنظر نقش کوچکی هم داشته باشد، برای درج در شناسنامه اثر حائز اهمیت است؛ اما مالکیت اثر مربوط به خالق اصلی محتواست.

جایزه «میراث لالایی» از جنس فرهنگ است؛ به‌این‌ترتیب که نفرات اول هر بخش علاوه بر دریافت یک هدیه خاص، امکان سه شب اقامت به‌عنوان میهمان ویژه در یکی از اقامتگاه‌های برتر کشور همراه با پذیرایی و گردشگری در مناطق تاریخی، فرهنگی و طبیعی آن خطه را دارند و این جایزه برای نفرات دوم و سوم هر بخش، جز با کم‌کردن یک و دو شب از زمان اقامت، ثابت است. آنها که مایل به همراهی با جشنواره مجازی میراث لالایی هستند، تا نیمه تیر فرصت دارند از طریق ارسال پیام درخواست به پست الکترونیک دبیرخانه جشنواره به نشانی lalaeeha@gmail.com فرم ثبت‌نام را دریافت و تکمیل کرده و تا نیمه مرداد اقدام به ارسال اثر کنند. اگر همه چیز به‌خوبی پیش برود، ۳۰ مرداد نتیجه داوری اولیه مشخص و به راه‌یافتگان مرحله دوم تا نیمه شهریور برای ارسال اصل اثر مهلت داده خواهد شد. ۳۰ شهریور آثار نهایی انتخاب می‌شوند و نام راه‌یافتگان به نمایشگاه نیز ۱۵ مهر اعلام خواهد شد.

چنانچه سؤالی در ذهن‌تان باقی است، این شماره از طریق واتس‌آپ و تلگرام، پاسخ‌گوی شماست: ۰۹۱۲۳۲۴۸۲۱۱

افزایش قیمت بلیت یا ترس از کرونا

مردم از بازگشایی سینماها استقبال می‌کنند؟

عکس: عمید فراهی، آنا

گروه هنر: بالاخره بعد از جنجال‌های بسیار و تعطیلی چندماهه سینماهای کشور، چهارم تیر درهای سالن‌های سینما به روی مخاطبان سینما باز شد. طبعا در ساعات اولیه بازگشایی سینماها تبلیغات فیلم‌های سینمایی که در صف اکران مانده بودند و بعد از کشمکش‌های فراوان پیش‌قدم اکران سینماها شده بودند، آغاز شد؛ البته با این شعار که سینماداران با حداکثر توان‌شان سعی کرده‌اند سلامت مخاطبان را تأمین کنند. «شنای پروانه» در جشنواره فیلم فجر عنوان فیلم برگزیده تماشاگران را به خود اختصاص داد و به نظر می‌رسید در اکران نیز با استقبال بسیاری روبه‌رو خواهد شد؛ اما در زمان جشنواره فیلم فجر هیچ‌کس تصور نمی‌کرد تا چند ماه بعد نه‌تنها فیلمی اکران نخواهد شد؛ بلکه مردم از ترس جان‌شان به محض بازگشایی سینماها، این سرگرمی را در اولویت قرار ندهند؛ بنابراین فروش فیلم «شنای پروانه» در این روزهای کرونایی دور از تصور نیست و به نظر می‌رسد به نسبت فیلم‌های محدودی که در این بازه زمانی اکران شده است، استقبال بهتری داشته؛ اما زمان و شرایط اکران فیلم به گونه‌ای است که نمی‌توان استقبال از آن را چشمگیر توصیف کرد و فیلم «خوب، بد، جلف ۲» به کارگردانی پیمان قاسم‌خانی که پیش از نوروز اکرانش را آغاز کرد و در هفته‌های ابتدایی اکران به دلیل شیوع ویروس کرونا اکرانش متوقف شد، دیگر گزینه این روزهای سینماهاست که بعد از «شنای پروانه» دومین فیلمی است که مردم برای آن بلیت تهیه می‌کنند. ایسنا در گزارشی درباره استقبال از فیلم‌های روی پرده در شرایط همه‌گیری ویروس کرونا نوشت: «در روزهای گذشته انتقادهایی به تکمیل‌نبودن تمام بخش‌های سامانه بلیت‌فروشی سینماها (سمفا) مطرح شده بود و از روز ۱۰ تیر وضعیت فروش فیلم‌ها در سامانه که در این چند روز از سوی سازمان سینمایی ارائه می‌شد، فعال شده و مخاطبان می‌توانند با مراجعه به سایت (samfaa.ir) اطلاعات جزئی از میزان فروش آنلاین و گیشه هر فیلم را کسب کنند. براساس‌این آمار فروش فیلم «شنای پروانه» تاکنون به بیش از ۹میلیاردو ۶۶۹ میلیون ریال با حدود ۵۴ هزار نفر مخاطب رسیده که البته تعداد روزهای نمایش این فیلم در سامانه ۹ روز درج شده؛ درحالی‌که «شنای پروانه» و «خوب، بد، جلف ۲» از چهارم تیر اکران شدند. «خوب، بد، جلف ۲» نیز پس از ۱۸ هفته اکران به فروش بیش از چهارمیلیاردو ۱۵۹ میلیون ریال با ۲۳هزارو ۳۴۹ نفر تماشاگر رسیده است. البته ۱۸ هفته‌ای که برای این فیلم محاسبه شده، با درنظرگیری تمام مدت روزهای تعطیلی سینماهاست؛ وگرنه این فیلم در مجموع قبل از تعطیلی سینماها و پس از بازگشایی حدود ۱۰ روز روی پرده بوده است. علاوه بر این دو فیلم جدید، آمار فروش «جهان با من برقص» که نسخه نمایش خانگی آن هم عرضه شده، به همراه دیگر فیلم‌هایی که پیش از تعطیلی سینماها روی پرده بودند، در سامانه قابل مشاهده است. فیلم «یلدا» و مستندهای «جایی برای فرشته‌ها نیست» و «صحنه‌هایی از یک جدایی» هم از فیلم‌های جدید سینماها هستند که با توجه به مدت‌زمان کمتر اکران و نیز تبلیغات کم هنوز مخاطب زیادی به دست نیاورده‌اند.

اما در کنار اکران تعداد محدودی از فیلم‌های سینمایی، پس از تعطیلی چندماهه نمی‌توان از افزایش قیمت بلیت سینماها و نارضایتی مخاطبان از این اتفاق به‌راحتی گذشت. افزایش ۲۵درصدی قیمت بلیت سینماها آن هم بعد از تعطیلی طولانی‌مدت سالن‌های سینما و البته شرایط اقتصادی مردم از دیگر عواملی است که می‌توان تأثیراتش را در کم‌رونقی فروش فیلم‌ها جست‌وجو کرد. بسیاری از کارشناسان سینما بر این باورند که شاید بهترین روش بعد از این تعطیلی طولانی ثابت نگه‌داشتن قیمت بلیت سینما بود و بعدازآن می‌شد به‌مرور به افزایش قیمت بلیت فکر کرد. افزایش قیمت بلیت در این شرایط قطعا بسیاری از خانواده‌ها را از رفتن به سالن‌های سینما منصرف می‌کند و این گزینه در کنار نبود تنوع در اکران فیلم‌های سینمایی، نارضایتی را دوچندان خواهد کرد. تا پیش از بازگشایی رسمی سالن‌های سینما، تردیدهای بسیاری درباره چگونگی استقبال مخاطبان از فیلم‌ها وجود داشت و به نظر می‌رسد بعد از گذشت چند روزی از اکران‌ها نمی‌توان به ادامه آن با خوش‌بینی نگریست. سالن‌های سینمای ایران بهترین زمان اکران‌شان اسفند تا اردیبهشت را از دست دادند و با واردشدن به فصل گرما و استقبال همیشگی مردم از فیلم‌ها، البته در شرایط عادی و نبود ویروس کرونا بیشترین میزان فروش سینماها در این بازه زمانی ثبت می‌شد و با این شرایط می‌توان سال ۹۹ را بدترین سال سالن‌داری و سینماداری نامید.

شاید بهترین تصمیم در این شرایط متعادل‌کردن قیمت بلیت سینماها است و بعد از آن می‌توان تحلیل درست‌تری درباره استقبال مخاطبان از فیلم‌های روی پرده داشت.

قاصد اشرفی، رئیس انجمن سینماداران، درباره شرایط بازگشایی سینماها بعد از ماه‌ها تعطیلی و البته گرانی قیمت بلیت به «شرق» گفت: «ما اصلا موافق گران‌شدن قیمت بلیت سینما نیستیم؛ اما رقمی که درحال‌حاضر برای قیمت بلیت سینماها اعلام شده است و به تعبیری افزایش قیمت بلیت محسوب می‌شد، بابت مالیات بر ارزش افزوده‌ای است که تا سال قبل سینمادار متقبل می‌شد و در سال جدید و بعد از ماه‌ها تعطیلی سینماها، این رقم به قیمت بلیت سینما اضافه شد».

او ادامه داد: «سینماداران معتقدند که سینما هم باید از مالیات بر ارزش افزوده معاف شود. این ازجمله مواردی است که هرچه درخواست می‌کنیم مالیات بر ارزش افزوده به سینماداران تحمیل نشود، گوش شنوایی نیست و به حرف ما توجه نمی‌شود. به نظر من باید فکری اساسی برای این مشکل کرد و وزیر ارشاد و وزیر اقتصاد باید برای این موضوع فکری بکنند. افزایش قیمت بلیت درحال‌حاضر همان مالیات بر ارزش افزوده‌ای است که از مخاطب گرفته می‌شود و اتفاقی غیرقانونی نیست. قبلا هم وجود داشته، با این تفاوت که پیش‌ازاین سینمادار متقبل می‌شد و الان داخل بلیت سینما حساب می‌شود. اگر منصفانه نگاه کنید، برای ما سینماداران هم همه چیز گران شده است؛ از تجهیزات فنی سینما گرفته تا موارد دیگر و براساس‌این ما هم متضرر شدیم. همه این هزینه‌ها را پرداخت می‌کنیم و دولت حمایتی از ما نمی‌کند. در جایی که دولت برای حمایت از کارهای فرهنگی ردیف بودجه دارد، متأسفانه این حمایت اتفاق نمی‌افتد».

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «درحال‌حاضر قیمت بلیت همه سینماها ۲۰ هزار تومان نیست و بسته به نوع سینما قیمت‌ها متفاوت است».

اشرفی ادامه داد: «خوشحالم که بالاخره سینماها بعد از ماه‌ها تعطیلی بازگشایی شد و من ازجمله افرادی هستم که به بازگشایی سینماها و استقبال مردم خوش‌بین بودم. درحال‌حاضر استقبال مردم از فیلم‌های روی پرده خوب است و شاید بسیاری از سینماگران هم انتظار استقبال این‌چنینی را نداشتند».

او گفت: «حقیقت این است که سینماداران روزهای خوبی را پشت سر نمی‌گذارند و به تعبیر دیگر می‌توانیم از ورشکستگی سالن‌دارها صحبت کنیم. ما بهترین فصول را از دست دادیم. ۶۰ درصد فروش سینما در فروردین و اردیبهشت بود. بهترین ماه‌هایی که می‌توانستیم بسیاری از مشکلات‌مان را به واسطه فروش خوب سینما رفع کنیم. متأسفانه با آغاز سال جدید و فیلم‌های روز سینمای ایران این فرصت را از دست دادیم. درحال‌حاضر سینماداران در شرایط بدی قرار دارند. از طرف دیگر نیروهایی که در سینما کار می‌کنند، هم شرایط خوبی ندارند و با توجه به اینکه گیشه، آخرین حلقه سینماست، وقتی بسته شود، تولیدات هم صدمه می‌بینند و سرمایه‌گذاری در سینما انجام نمی‌شود».

روزنه

هشدار شورای عالی تهیه‌کنندگان درباره عرضه آثار شبکه خانگی در VODها

● سیدغلامرضا موسوی دبیر شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما گفت: در سال‌های گذشته به‌ویژه قبل از فعالیت پلتفرم‌های نمایش اینترنتی، قراردادهایی بین تهیه‌کنندگان و مؤسسات نمایش خانگی منعقد می‌شد. این قراردادها صرفا برای نمایش فیلم در اشکال فیزیکی مانند D.V.D و امثال آن بود. برخی از این مؤسسات پس از شروع فعالیت V.O.Dها و IPTV فیلم‌ها را به این مراکز فروخته‌اند. این اقدام غیرقانونی و قابل تعقیب قضائی است. او بیان کرد: موضوع مربوطه در دو جلسه اخیر شورای عالی تهیه‌کنندگان مطرح شد و موردبررسی قرار گرفت. در نهایت مقرر شد تا به تهیه‌کنندگان همکار اطلاع داده شود که نمایش فیلم‌هایشان در پلتفرم‌های نمایش فضای مجازی، بدون ذکر کلمه V.O.D اقدامی غیرقانونی است و فروشنده نیز فروشنده «اموال مال غیر» به‌شمار می‌رود. فروشنده و خریدار در این شکل از نظر برخی وکلای دادگستری مانند خریدار «مال دزدی» هستند.دبیر شورای عالی تهیه‌کنندگان تاکید کرد: از سوی دیگر برخی قراردادها صرفا برای داخل کشور است و واگذاری آنها از سوی این‌گونه مؤسسات برای درآمدزایی به مؤسسات خارج از کشور مثلا یوتیوب و امثال آن نیز غیرقانونی است. او ادامه داد: متأسفانه برخی از مؤسسات از نبود اطلاع همکاران سوءاستفاده کرده و با توجیه مثلا کلمه «سایر اشکال» یا «غیره» این اقدام خود را قانونی جلوه می‌دهند.موسوی افزود: شورای عالی تهیه‌کنندگان از همه همکاران و سرمایه‌گذاران فیلم‌ها دعوت می‌کند با دقت در متن قراردادهای منعقده اجازه سوءاستفاده به پلتفرم‌های اینترنتی و مؤسسات نمایش خانگی را ندهند. ضمنا براساس نظر کارشناسی شورای عالی، فیلم‌هایی که تاکنون در این پلتفرم‌ها نمایش داشته‌اند، باید نسبت به کسب رضایت تهیه‌کنندگان و مالکان فیلم اقدام کنند؛ در غیر این صورت با طرح شکواییه در مراجع قضائی روبه‌رو خواهند شد.دبیر شورای عالی به همکاران تهیه‌کننده توصیه کرد که در عقد قرارداد با مؤسسات شبکه نمایش خانگی و یا V.O.D ها به زمان و موضوع قرارداد دقت کنند؛ چراکه بهترین زمان قرارداد سه سال و در مواردی استثنائی پنج سال است. موضوع قرارداد نیز چاپ D.V.D و فروش فیزیکی آن یا نمایش در پلتفرم‌های مورد قرارداد است.

هنرمندان ایرانی در جمع اعضای آکادمی اسکار

آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار ۸۱۹ نفر را در شاخه‌های مختلف به‌عنوان اعضای جدید این آکادمی معرفی کرد.نرگس آبیار، نویسنده و کارگردان فیلم‌های چون «شیار ۱۴۳»، «نفس» و «شبی که ماه کامل شد» در شاخه نویسندگی، ستار اورکی، آهنگساز ایرانی در شاخه موسیقی، سمیرا مخملباف، در شاخه کارگردانی و علی عباسی، سینماگر ایرانی‌دانمارکی نیز در شاخه کارگردانی، چهره‌های ایرانی‌ای هستند که امسال به عضویت آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار درآمده‌اند. از میان ۸۱۹ عضو جدید آکادمی اسکار، ۳۶ درصد غیرسفیدپوست، ۴۵ درصد زن و ۴۹ درصد نیز از کشورهایی به غیر از آمریکا انتخاب شده‌اند.تعداد اعضایی که امسال برای عضویت به آکادمی اسکار دعوت شدند، پس از رکورد ۹۲۸ نفر سال ۲۰۱۸ و ۸۲۴ نفر سال ۲۰۱۹، سومین رکورد در طول تاریخ ۹۳ساله آکادمی اسکار است و انتخاب ۳۶ درصد از اعضای جدید از میان غیرسفیدپوستان در راستای تلاش آکادمی برای افزایش تنوع نژادی در این نهاد سینمایی است؛ تلاشی که از سال ۲۰۱۶ و در سایه اعتراضات به اسکار خیلی سفید آغاز شده بود.«جرمی کلاپین»، «متی دیوپ»، «سینتیا ارویو»، «لاج لی»، «لولو وانگ»، «آتاناس جورجیف»، «تامارا کاتنسکی» و «لیوبا استفانف»، هشت چهره سینمایی هستند که امسال به عضویت در بیش از یک شاخه از آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار درآمده‌اند.همچنین در میان چهره‌های جدیدی که به عضویت آکادمی درآمدند، نام ۱۵ برنده اسکار، ۷۵ نامزد اسکار و پنج برنده جوایز فنی و علمی آکادمی دیده می‌شود.

ادامه از صفحه ۸

سینمای پیام‌محور و نوگرایی

نویسنده دستورات سفارش‌دهنده را در نوشتن فیلم‌نامه رعایت می‌کند و کارگردان، به تبع فیلم‌نامه‌ای پیام‌محور، وارد فرایند تولید می‌شود. این روند تولید، پرده از شکل و شمایل فریبنده فیلم «جهان با من برقص» برمی‌دارد. جهانگیر باید جایی زندگی کند که چشم‌اندازهای زیبایی در اختیار کارگردان قرار دهد و تصویری سینمایی را خلق کند. در میان صحنه‌های پیام‌محور و سرگرم‌کننده فیلم که با ورود شخصیت احسان، فرخ و نسیم به پیرنگ و مطرح‌کردن مسئله خیانت شکل می‌گیرند، باید نوعی نگاره‌های خاص بصری نیز گنجانده شود. در واقع کاربرد لحظه‌های رؤیابینیِ جهانگیر با حضور گروه موسیقی در طبیعت چشم‌نواز، چیزی فراتر از یک فراخوانی نمایشگاهی نیست. این فراخوان به‌راحتی می‌تواند سینمادوستان را به تماشای قاب‌های دوست‌داشتنی دعوت کند و توجیهی باشد برای شاخ‌وبرگ‌دادن به موضوعی پراهمیت در روایت‌های ادبی و سینمایی که زندگی و مرگ را به‌عنوان چالشی فراموش‌ناشدنی برای انسان مطرح می‌کند. اما زمانی که فیلم‌ساز هم مجبور است سفارشِ سفارش‌دهنده را در نظر بگیرد و پیامی اخلاقی صادر کند و هم صحنه‌های جذاب سینمایی را هرطور شده در فیلم بگنجاند؛ نتیجه کار می‌شود فیلم «جهان با من برقص»، فیلمی که به‌هم‌ریختگی عجیبی در عناصر بصری دارد و پر است از ارجاعات ناکارآمد تصویری. در میان صحنه‌های متعددی که به علت عدم تناسب در هم‌خوانی عناصر بصری و روایی فیلم، امکان شکل‌یافتن بیانی واحد را از فیلم سلب می‌کنند، به اختصار فقط می‌شود به تابلوی شام آخر اشاره کرد که سخت می‌شود تشخیص داد آیا قرار است کاربرد سمبلیک داشته باشد یا تنها نوعی ادای دین یا علاقه‌مندی هنری است. با توجه به آنچه درباره سرگشتگی راوی گفته شد، پایبندی به روایتی که مبتنی بر اصل پیام‌رسانی صورت می‌گیرد و تأثیر کنش‌های درونی شخصیت جهانگیر از پیرنگ‌های فرعی و کنش‌های سرگرم‌کننده شخصیت‌های پیرامونش، اجازه شکل‌یافتن بیانی سمبلیک در این صحنه را نمی‌دهد. از این‌رو شخصیت جهانگیر و مسئله مرگ او هرگز نمی‌تواند به چنین تصویری ماهیت زیباشناسانه بدهد. بنابراین عملکرد این صحنه چیزی غیر از تلاش برای «سینمابودن» نیست. عناصر دیگری مثل طبیعت (جنگل، دریا و صحنه‌هایی که چشم‌اندازهای چشمگیر را هدف قرار می‌دهند) نیز به همین اندازه متناقض و بی‌فایده هستند.در نتیجه با درنظرگرفتن ناکارآمدبودن ارجاعات تصویری فیلم، فقط می‌ماند همان سفارش سفارش‌دهنده (فرقی نمی‌کند که حتما شخص سفارش‌دهنده‌ای در فرایند تولید فیلم وجود داشته باشد. تماشای فیلم، حضور یک سفارش‌دهنده و پیام اخلاقی از پیش آماده‌ای را نشان می‌دهد که ویژگی‌های داستانِ «روزهای پایانیِ زندگی جهانگیر و تنهایی‌اش» را برخلاف خواسته کارگردان، از مضامین پیچیده نوگرا دور می‌کند) و بدیهی است که این سفارش آگاهانه در جهت فروش فیلم و تجربه جدید کارگردان در روند پیام‌رسانی با طعم «خنداندن به هر طریقی» حرکت می‌کند.

ادامه از صفحه ۸

نگاهی به موسیقی ۳

برداشت دوم از موسیقی مقامی بر بستر مبانی اول استوار است و در ارتباط با بخشی از ریرتوار موسیقی ایران در دوره معاصر است. در این برداشت موسیقی مقامی همان موسیقی نواحی مختلف ایران است. آنچه بعضی به آن موسیقی محلی (موسیقی فولکلور) می‌گویند. به‌عبارت‌دیگر این نوع موسیقی، موسیقی معاصری است که باوجود جدیدبودن، پیشینه‌ای غنی و تاریخی دارد و نزد اقوام و ایلات مختلف در مرزها و نقاط جغرافیایی مختلف رواج داشته و البته از حوزه موسیقی دستگاهی خارج است. مانند نغمه‌های موسیقی تربت‌جام که به‌صورت سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل به زبانی شفاهی تا امروز تداوم و انتقال یافته است و در حال نفس‌های واپسین است. نغمه‌هایی که از جان هنرمند برمی‌خیزد و نوای سازش با تاروپود دل عجین می‌شود. اکنون تنها راه نجات موسیقی مقامی(نواحی) از خطر انقراض، رجوع به استادان این هنر است: «باید از تتمه استادان قدیمی که اکنون زنده‌اند، بهره جست و همان مقام‌هایی را که به آنها رسیده است، به جوان‌های علاقه‌مند به موسیقی مقامی آموخت.

«آسمانِ همیشه‌ابری»

در فصل سوم، سریال باید عملا به «پری‌سیما» تغییر نام دهد؛ چراکه داستان بیش از ستایش حول محور او می‌گذرد؛ زنی که خصوصیات منفی اخلاقی‌اش گل‌درشت و به‌شدت اغراق‌آمیزند. با اینکه همین تعدد اتفاقات و اغلب حوادث خشونت‌آمیز و بزهکارانه‌ای که از سوی پری‌سیما طرح و اجرا می‌شوند، ریتمی تند و سرکش به کار بخشیده؛ اما چنین شلختگی و مبالغه‌ای در فیلم‌نامه، ارتباط ذهنی مخاطب با متن را دچار خدشه کرده و به سریال آسیب می‌رساند.شاید تنها نکته مثبت «ستایش» در هر سه فصلش بازی خوب داریوش ارجمند باشد. با آنکه حشمت فردوس در اندازه یک تیپ باقی مانده؛ اما ارجمند توانسته است یک بازی متناسب با مختصات نقش ارائه دهد. برخی از بازیگران فرعی کار مانند اکرم محمدی، محمود عزیزی و قربان نجفی نیز بازی‌های خوبی دارند؛ اما متأسفانه سطح بازی‌ها یکسان نیست و همین هم‌بافت‌نبودن جنس بازی‌ها، آسیب دیگری را به سریال وارد کرده است.